

## دفتر حقوقی

### سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها



حسین نجفی

را در زمره‌ی وظایف خود می‌دانند. لطفاً این سازمان تاکسیرانی را از نظرات راهگشای خود بهره‌مند نمایید.

□ در پاسخ به موضوع مورد نظر سازمان تاکسیرانی باید عرض نمایم. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی علی‌رغم اینکه قوه قانونگذاری همواره در صدد ایجاد تمرکز در بخش حمل‌ونقل درون شهری مسافر زیر نظر شهرداری بوده و احکام قانونی متعددی از جمله لایحه قانونی راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیر نظر شهرداری تهران مصوب ۱۳۵۹ و ماده ۹ قانون توسعه حمل‌ونقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت مصوب ۱۳۸۶ وضع شده، ولی متأسفانه تاکنون این امر محقق نشده است. واقعیت این است که براساس آخرین اراده‌ی قانونگذار در ماده ۹ قانون توسعه حمل‌ونقل و مدیریت مصرف سوخت، کلیه امور مرتبط با حمل‌ونقل بار و مسافر در داخل محدوده شهر و حومه آن می‌باید زیر نظر شهرداری متمرکز شود اما متأسفانه علی‌رغم حکم قانونی مذکور در ماده ۴ تصویب‌نامه شماره ۴۲۶۷۲/۵۱۵۵۹ مورخ ۸۸/۳/۹ هیأت محترم دولت مقرر شده: وزارت کشور در خصوص قرار گرفتن مجدد اتحادیه تاکسیرانی تحت نظارت شورای اصناف اقدام کند. همین حکم موجب شده است تا در روند واگذاری تولید اژانس‌های تاکسی تلفنی به شهرداری‌ها مجدداً اختلاف نظر به وجود آید. هر چند ماده ۴ تصویب‌نامه اخیر در تعارض آشکار با حکم ماده ۹ قانون توسعه حمل‌ونقل و

همانگونه که می‌دانید چندین سال است که در خصوص تولید اژانس‌های تاکسی تلفنی در سطح وزارتین کشور و بازرگانی اختلاف نظر وجود دارد و این اختلاف نظر مدیریت بخش حمل‌ونقل عمومی مسافر در داخل شهر را تحت تأثیر قرار داده و موجب شده تا مدیریت واحدی در این بخش به وجود نیاید. مطابق آیین‌نامه‌ی مدیریت حمل‌ونقل بار و مسافر در شهر و حومه (شماره ۶۱۵۸۵/ت ۴۲۲۸۲ مورخ ۸۸/۳/۲ هیأت وزیران) هر گونه وظایف و اختیارات مشابه اشخاص حقوقی، دستگاهها، سازمان‌ها، نهادها، تعاونی‌ها، اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی فعال از جمله اژانسها و مؤسسات خودروی کرایه و مانند آنها در امور حمل‌ونقل بار و مسافر در محدوده شهرها و حومه را به شهرداری واگذار نموده و مراجع یاد شده موظفند مطابق ماده ۱۵ آیین‌نامه یاد شده کلیه سوابق و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط را وفق درخواست شهرداری طی صورتجلسه در اختیار شهرداری یا سازمان‌ها و شرکت‌ها و واحدهایی که به نمایندگی از شهرداری معرفی می‌گردند، قرار دهند. متأسفانه سازمان‌ها و ادارات بازرگانی از عمل به وظیفه قانونی حمل‌امتناع نموده و کمافی السابق نظارت بر این بخش از حمل‌ونقل مسافر

مدیریت مصرف سوخت است ولی نباید فراموش نماییم که تشخیص این مغایرت و تعارض در صلاحیت مراجع ذیربط از جمله هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و کمیسیون تطبیق مصوبات دولت با قوانین می‌باشد بنابراین لزوم عمل به مقررات جاریه کشور اجباب می‌نماید تا زمان ابطال یا اصلاح ماده یاد شده از اقدام غیر قانونی پرهیز شود. لازم به ذکر است وزیر محترم کشور طی نامه‌ای به عنوان معاون اول محترم رئیس‌جمهور خواستار ابطال یا اصلاح ماده ۴ از تصویب‌نامه اخیر شده است.

▶ همانطور که مستحضر هستید ملاک عمل صدور مجوز ساخت شهرداری فضاهایی است که در نقشه‌های جامع، تفصیلی و هادی بوده و نوع کاربری آن در پروانه ساختمانی مشخص و قید می‌گردد. در طرح هادی این شهر ۲۳۵ هکتار به عنوان خدمات ویژه تعیین شده است و از این میزان ۱۵۰ هکتار آن در کمیسیون مغایرت‌های غیر اساسی استانداری مطرح و با تغییر کاربری آن به مسکونی موافقت شد. متأسفانه سازمان مسکن و شهرسازی استان بدون پرداخت حق و حقوق قانونی شهرداری اراضی یاد شده را به تعاونی‌های مسکن و ادارات واگذار نمود و هر بار ادعا می‌نمایند که در اینجا تعیین کاربری شده نه تغییر کاربری. آیا ادعای سازمان مسکن و شهرسازی صحیح است و چگونه می‌توان حقوق قانونی شهرداری ناشی از عوارض را وصول نمود؟ لازم به ذکر است که عوارض تغییر کاربری بر اساس تعرفه مصوب مبلغ هنگفتی می‌باشد.

□ با توجه به توضیحات ارائه شده به نظر این جانب تغییر کاربری در اراضی مورد نظر محرز و شهرداری مستحق دریافت حقوق مربوطه وفق ضوابط و مقررات قانونی می‌باشد. اما به منظور رعایت حقوق قانونی شهرداری لازم است که شهرداری‌های کشور قبل از اقدام و ارائه پیشنهاد به کمیسیون مغایرت‌های اساسی با مالک اراضی (اعم از حقیقی یا حقوقی) وارد مذاکره شده و حق و حقوق قانونی شهرداری را در قالب انعقاد قرارداد لحاظ نماید تا چنانچه مالک از عمل به تعهدات خود سرباز زند در قالب قرارداد به ایفای تعهدات اجبار شود. ظاهراً در موضوع مورد سؤال شهرداری چنین اقدامی انجام نداده است در این صورت پیشنهاد می‌نماید عوارض قانونی شهرداری از جمله عوارض

تغییر کاربری را محاسبه و به سازمان مسکن و شهرسازی اعلام نماید و در صورت امتناع از پرداخت عوارض، موضوع جهت تصمیم‌گیری به کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری ارجاع شود.

▶ همانطور که می‌دانید آیین‌نامه مقررات بهداشتی آرامستان‌های کشور به امضای وزارت محترم کشور و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده است و آرامستان‌های کشور مؤظف شده‌اند تا مقررات یاد شده را در حوزه‌ی کاری خود رعایت نمایند. سوال مهمی که در اینجا مطرح شده است این است که آیا لازم الاجرا شدن این آیین‌نامه برای سازمان آرامستان‌ها و شهرداری مستلزم تصویب آن توسط شورای اسلامی شهر مربوطه است یا خیر؟ زیرا مطابق بند ۲۱ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، نظارت بر گورستان، غسلخانه و تهیه وسایل حمل اموات با اصول بهداشتی و توسعه‌ی شهر بر عهده شورای اسلامی شهر است.

□ امور مربوط به بهداشت عمومی جنبه‌ی محلی ندارد و ضوابط و مقررات بهداشتی که از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام می‌شود، لازم الاجراست زیرا مسؤولیت تأمین بهداشت عمومی کشور و نظارت در تمام امور مربوط به بهداشت عمومی با وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. به علاوه در بند ۲۱ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مقرر شده: «نظارت بر ایجاد گورستان، غسلخانه و تهیه حمل اموات مطابق اصول بهداشتی و توسعه شهر». از این بند چنین استفاده می‌شود که ایجاد گورستان و غسلخانه و حمل اموات می‌بایست مطابق اصول بهداشتی صورت گیرد و شورای اسلامی شهر می‌باید مراقبت‌های لازم را در خصوص انجام این امور وفق اصول بهداشتی بنماید. به دیگر سخن اصول بهداشتی که توسط مراجع ذیصلاح تعیین می‌شود مبنای نظارت شورای شهر قرار می‌گیرد نه اینکه شورای شهر اصول بهداشتی گورستان را تعیین نماید. علی‌هذا اجرای ضوابط و مقررات بهداشتی آرامستان‌ها که مورد تأیید وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته در کلیه آرامستان‌ها بدون نیاز به مصوبه شورای اسلامی شهر الزامی است.

▶ مطابق ماده ۱۹ قانون نوسازی و عمران شهری، هر گاه در نتیجه اجرای طرح‌های شهرداری یا قسمتی از معابر به صورت متروک درآید آن قسمت متعلق به شهرداری بوده و هر گاه شهرداری قصد فروش آنرا داشته باشد مالک مجاور در خرید آن حق تقدم خواهد داشت. لطفاً چنانچه املاک مجاور بیشتر از یک ملک باشد این حق تقدم چگونه باید رعایت شود و کدام یک از مالکین حق تقدم خواهند داشت؟

□ ماده ۱۹ قانون نوسازی به موجب قانون اصلاح ماده ۱۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۸ اصلاح شده است و مطابق اصلاحیه جدید هرگاه در نتیجه اجرای طرح‌های شهری

(جامع تفصیلی) تمام یا قسمتی از معابر عمومی به صورت متروک درآید و در مالکیت اوقاف و اشخاص حقیقی و حقوقی نباشد، آن قسمت متعلق به شهرداری خواهد بود و چنانچه شهرداری قصد فروش آنرا داشته باشد مشروط به اینکه آن مقدار زمین قابلیت صدور جواز و استفاده مستقل را نداشته باشد، مالک ملک مجاور در خرید آن با قیمت کارشناسی روز با ترک تشریفات مزایده حق تقدم خواهد داشت و در صورتی که ملک یاد شده در مجاورت املاک متعدد و با مالکین متعدد باشد، تشریفات مزایده بین آنها برگزار می‌شود. نحوه اجرای این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

رأی شماره ۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست تقاضای ابطال مجوز شهرداری مبنی بر تغییر کاربری ملک، طرف شکایت قرار دادن مالک صحیح نمی‌باشد.

تاریخ: ۱۳۸۹/۱/۳۰

شماره دادنامه: ۸

کلاس پرونده: ۱۱/۸۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای مهران اعتمادی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۲۸ دیوان عدالت اداری

**گردشکار:** الف شعبه بیست‌وهشتم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۲۷۳/۸۶ و ۴۵۷ موضوع شکایت آقای حسین احمدی قصرعاصمی، به طرفیت شهرداری شیراز منطقه ۴ و به خواسته ابطال پروانه ساختمانی و عدم برخورد با تخلف پیشروی غیر طی به شرح دادنامه شماره ۳۳۶۳-۳۳۶۴ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۱ به شرح آتی مبادرت به صدور رأی نموده است: نظر به اینکه اساساً ابطال پروانه ساختمانی میبایست به طرفیت مالک ساختمان و همچنین مرجع صادرکننده آن مطرح گردد و تازمانی که پروانه ساختمانی مورد نظر شاکی توسط مراجع ذیصلاح ابطال نگردد، تخریب پیش‌آمدگی ساختمان احداث شده فاقد وجاهت قانونی است که نظر به شماره ۷/۴۲۰ مورخ ۱۳۶۱/۱/۲۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز بر این امر تصریح نموده است، بنابراین در وضعیت فعلی شکایت معنونه قابلیت استماع نداشته و قرار رد آن صادر و اعلام میگردد. ب شعبه بیست‌وهشتم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۷۸۸/۸۵ موضوع شکایت آقای سیدجواد واقفی کیا به طرفیت ۱- شهرداری شیراز ۲- فرح میرزاهاشمی و به خواسته ابطال مجوز شماره ۷۳۶۱/۲۳ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۶ صادره از شهرداری دال بر تغییر کاربری ملک طی دادنامه شماره ۱۱۸۱ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۰ به شرح آتی مبادرت به صدور رأی نموده است: اولاً، ذینفع بودن شاکی به عنوان مالک احد از واحد آپارتمان‌هایی که شهرداری برای مالک طبقه تحتانی مجوز تبدیل واحد مسکونی به تجاری صادر نموده در فرض ورود یا عدم ورود هرگونه خسارت احتمالی محرز بوده و طبق قانون شهرداریها ذینفع، حق اعتراض به تصمیمات اتخاذ شده در حالی که موجب اضرار به وی باشد را داشته و شکایت وی قابلیت استماع را دارد. ثانیاً، شهرداری در لایحه دفاعیه اشاره نموده که در طرح ساختاری راهبردی شهر شیراز صدور مجوز تجاری در محور مورد نظر تجویز گردیده است و به همین علت شهرداری با تبدیل واحد مسکونی طبقه تحتانی به تجاری موافقت نموده است از آن جایی که کاربری

املاک در طرح تفصیلی مشخص گردیده و شهرداری مکلف به اجرای مفاد طرح تفصیلی مصوب بوده که هرگونه تغییر در آن میبایست به تصویب مراجع ذیصلاح برسد و استناد به طرح ساختاری راهبردی برای تغییر کاربری املاک علیالخصوص در ساختمان‌هایی که دارای واحدهای متعدد با مالکین مختلف میباشند، صحیح نبوده، هرگونه تغییر در کاربری ملک منوط به موافقت تمامی مالکین واحدهای آپارتمانی میباید نظر به مراتب معنونه شکایت مطروحه را وارد تشخیص داده و حکم به ابطال مجوز تغییر کاربری شماره ۷۳۶۱/۲۳ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۶ صادر و اعلام میگردد. ضمناً شکایت شاکی علیه خانم فرح میرزاهاشمی به لحاظ اینکه طبق ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری صلاحیت دیوان در رسیدگی به شکایات مردم علیه واحدهای دولتی احصاء گردیده قابل استماع نبوده، قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

### رأی هیأت عمومی

اولاً، تعارض آراء محرز است. ثانیاً، حسب ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری، شعب دیوان صرفاً به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداریها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و موسسات وابسته به آنها رسیدگی مینماید. همچنین طبق ماده ۳۰ قانون مذکور در صورتی که محتوای شکایت و دادخواست تقدیمی به دیوان حاوی مطلبی علیه شخص ثالث نیز باشد، مانع رسیدگی شعبه به پرونده نخواهد بود. لذا دادنامه شماره ۱۱۸۱ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۰ شعبه بیست‌وهشتم دیوان که رسیدگی به شکایت با خواسته ابطال مجوز صادره از شهرداری مبنی بر تغییر کاربری ملک را به صرف تقدیم دادخواست به طرفیت شهرداری کافی دانسته و به استناد ماده ۱۳ قانون فوق‌الذکر رسیدگی به شکایت علیه مالک ملک را به عنوان شخص حقیقی، خارج از صلاحیت دیوان عدالت اداری اعلام و مبادرت به صدور قرار عدم استماع نموده است، صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص میگردد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۶۴۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال مصوبه شورای شهر شاندیز در خصوص اخذ بهاء خدمات از کسانی که قبل از تاریخ تصویب نرخ جدید اقدام به دریافت پروانه گردیده‌اند.

تاریخ: ۱۳۸۸/۹/۲

شماره دادنامه: ۶۴۸

کلاس پرونده: ۵/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای علی‌اکبر شاملی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمتی از بند ۴ مصوبه شماره ۸۰۴ مورخ ۱۳۸۶/۵/۱۷ شورای اسلامی شهر

شاندیز

مقدمه: وکیل شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، مصوبه‌ای توسط شورای اسلامی شهر شاندیز در مورخ ۱۳۸۶/۵/۱۷ در صورتجلسه شماره ۸۰۴ تصویب شده که خلاف نص صریح قانون، دال بر عطف به ماسبق نشدن قوانین است. در بند ۴ این مصوبه آمده است، بهای خدمت جهت بهسازی بلوار ورودی شهر شاندیز از چهل بازه تا میدان شهداء به

ماخذ ۲۰ برابر قیمت منطقه‌ای اعلام می‌شود. تا این قسمت ایرادی بر آن مترتب نیست. معذک در انتهای این مصوبه آمده «خدمات در مورد کسانی که قبل از تاریخ تصویب نرخ جدید بهای خدمات، اقدام به دریافت پروانه کرده‌اند نیز اعمال می‌شود». این قسمت عملاً مخالف نص صریح عطف بماسبق نشدن قوانین است، چرا که موکل وفق مدارک پیوستی، مالک زمین در همان محدوده به شماره پلاک ثبتی ۱۳ فرعی از ۱۸۹ اصلی بخش ۶ مشهد «شاندیز» می‌باشد که برای زمین خود قبل از تصویب این مصوبه، پروانه ساختمانی توریستی دریافت نموده و در مورخ ۱۳۸۵/۴/۳ تمام آنچه که شهرداری به عنوان عوارض ساختمانی، عوارض نوسازی، بهای خدمات و آماده‌سازی دریافت می‌نماید را پرداخت نموده است، ولی اکنون با قیمت سرسام‌آور ۲۰ برابری مواجه شده است، در صورتی که نص صریح قانون است که قوانین را عطف بماسبق نمی‌نماید مگر در مواردی که به نفع متهم باشد و یا آنکه قانون لاحق اخف از قانون سابق باشد. لہذا موکل به این مصوبه اعتراض و اعتراضیه خود را به معاونت عمرانی فرمانداری مشهد تقدیم نموده لہذا با توجه به اینکه استانداری در نامه شماره ۱۴۵۷۴۵/۱۲ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ خود به موکل اعلام نموده که با توجه به عدم وصول اعتراض از جانب فرمانداری مشهد به مصوبه مذکور ایرادی وارد نیست، لذا مصوبه ذکر شده قانونی و هرگونه اعتراض می‌بایست از طریق دیوان عدالت اداری انجام پذیرد. لذا متقاضی ابطال مصوبه فوق‌الذکر می‌باشد. رئیس شورای اسلامی شهر شاندیز، در پاسخ به شکایت مذکور مبنی بر ابطال مصوبه فوق‌الذکر، طی نامه شماره ۱۸۵۱ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۵ اعلام داشته‌اند، ۱- در متن مصوبه مذکور به وضوح قید گردیده است که «دریافت بهای خدمات در مورد کسانی که پایان کار دریافت نکرده‌اند، اعمال شود» و این موارد به استناد ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شورای اسلامی شهر، شهرک و بخش مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی، تصویب شده و قطعیت یافته است. لذا خواسته ابطال مصوبه فوق از سوی شاکی فاقد مبنا و وجاهت قانونی است. ضمن اینکه شاکی در متن دادخواست کلیات مصوبه شورای اسلامی شهر شاندیز را پذیرفته است. ۲- آنچه منظور قانونگذار از ماده ۴ قانون مدنی است، مصوبه‌ای است که انصراف به زمان قبل از تصویب دارد در حالی که مصوبه شورای اسلامی شهر شاندیز مربوط به تاریخ ۱۳۸۶/۵/۱۷ است و زمان اخذ پایان کار در حال حاضر که زمان موخر است، می‌باشد که هنوز فرا نرسیده است. مسلماً وصول حقوق شهرداری مقید به زمان نمی‌تواند باشد و اکنون که شاکی درخواست پایان کار نموده است نیز زمان تسویه حساب عوارض می‌باشد و ایشان در قبال اخذ پایان کار باید عوارض مورد نظر را تادیه نمایند. ۳- احداث بلوار ورودی شهر شاندیز با هزینه‌ای بالغ بر ۶۰ میلیارد ریال در دست اقدام می‌باشد. شورای اسلامی شهر شاندیز با بهره‌گیری از اختیارات قانونی خود به منظور تأمین بخش بسیار ناچیزی از هزینه‌های تحصیل حریم و احداث بلوار مذکور که تأثیر قابل توجهی به افزایش قیمت اراضی و املاک واقع در حاشیه بلوار ورودی دارد، اقدام به تصویب بهای خدمات مذکور نمود. قطعاً تأمین تمام هزینه این پروژه بزرگ عمرانی نه از محل اعتبارات دولتی میسر می‌شود و نه امکان تأمین هزینه‌های آن از محل دریافت ناچیز عوارض ساختمانی وجود دارد. از سوی دیگر ارزش افزوده‌ای که احداث بلوار برای املاک و اراضی واقع در حاشیه بلوار ورود ایجاد می‌کند در مقابل دریافت بهای خدمات بسیار ناچیز است و تأمین آن از محل عوارضی که سایر شهروندان پرداخت می‌کنند هم میسر نیست و هم از عدالت به دور است. لذا با عنایت به مراتب فوق‌الذکر رد شکایت نامبرده مورد استدعا است. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

## رأی هیأت عمومی

هر چند وضع مقررات برای وصول عوارض و تعیین میزان آن از وظایف و اختیارات قانونی شورای اسلامی شهرها مقرر گردیده است، لیکن چون طبق وحدت ملاک ماده ۴ قانون مدنی و اصول کلی حقوقی، اثر قانون به معنی اعم آن نسبت به آتیه است و نسبت به ما قبل آن اثر ندارد، بنابراین قسمت اخیر مصوبه شماره ۸۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۱ شورای اسلامی شهر شاندیز مبنی بر اینکه «در مورد کسانی که قبل از تاریخ تصویب نرخ جدید بهای خدمات، اقدام به دریافت پروانه کرده‌اند نسبت به دریافت خدمات اقدام نمایند.» آثار مصوبه مرقوم را به موارد ماقبل از تاریخ تصویب معطوف می‌نماید، فاقد وصف قانونی و خارج از حدود اختیارات تشخیص و به استناد قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی و ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

محمدجعفر منتظری